

بگذاریم خدمت به میهن با عشق انتخاب شود

طرح سربازی دختران شوخی یا جدی!

تعدادی از نمایندگان مجلس، طرحی ارائه داده‌اند در رابطه با انجام اصلاحاتی در مقررات سربازی. و ضمن این طرح، اشاره‌ای هم به سربازی انتخابی و اختیاری دختران شده است. هم‌چنان که اختیاری شدن سربازی برای پسران نیز در این طرح، پیشنهاد شده است. البته در این طرح تاکید شده که پسران در صورتی می‌توانند به سربازی نروند که سه برابر هزینه دوره خدمت سربازی را بپردازند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

هم‌چنان که در ده‌های مختلف نیروی نظامی و ارتش نیز، زنان حضور برجسته و موثری دارند. در ابتدای انقلاب اسلامی نیز با فراخوان بسیج بیست میلیونی، در عمل، بسیاری از دختران به این نیروی مردمی پیوستند و آموزش‌های نظامی دیدند. اما این که چرا از تعبیر «شوخی» در مورد چنین مسئله شایعی که برای اکثر ما آشنا و ملموس بوده و هست، استفاده کردیم، برمی‌گردد به عکس العمل رئیس اداره سربازیه‌های انسانی ستاد کل نیروهای مسلح ایران، پیرامون سخنان یکی از نمایندگان مجلس، درباره طرح سربازی دختران. موسی کمالی گفته است: طرح این مسئله شبیه یک شوخی است و ستاد کل، هیچ برنامه‌ای برای سربازی دختران ندارد.

«طرح» مطرح شده، چیست؟
تعدادی از نمایندگان مجلس، طرحی ارائه داده‌اند در خصوص انجام اصلاحاتی در مقررات سربازی و ضمن این طرح، اشاره‌ای هم به سربازی انتخابی و اختیاری دختران شده است. هم‌چنان که اختیاری و انتخابی شدن سربازی برای پسران نیز در این طرح، پیشنهاد شده است. البته در این طرح تاکید شده که پسران در صورتی می‌توانند به سربازی نروند که سه برابر هزینه دوره خدمت سربازی را بپردازند. طیبیه سیاوشی، نماینده مردم تهران و عضو فراکسیون زنان و اعضای فراکسیون حقوقی، قضایی مجلس شورای اسلامی، می‌گوید هنوز ابعاد این طرح مشخص نشده و قرار نیست دختران در خدمت سربازی اسلحه به

دست بگیرند و از دختران در مسائل آموزشی و بهداشتی و هم‌چنین رویکرد نرم‌افزاری استفاده خواهد شد. به نظر می‌رسد با توجه به دستور امام خمینی (ره) در ابتدای انقلاب و آموزش نظامی به دختران و حتی مسلح شدن آن‌ها، عملاً مشکلی در زمینه آموزش نظامی دختران، وجود نداشته باشد. چرا نباید دختران با فنون نظامی و استفاده از سلاح‌های مختلف، آشنا شوند؟ آشنایی و تبحر در استفاده از سلاح، هیچ منافاتی با نقش ویژه زنان که در اغلب نقاط دنیا هم مرسوم است، یعنی پرستاری، بهداشتی و نرم‌افزاری، ندارد و حتی در صورت آشنایی و تبحر زنان در استفاده از اسلحه، حتی الامکان از آنان در خطوط مقدم و مناطق مرزی استفاده نمی‌شود.

اگر این طرح، در جهت اثبات برابری حقوق زنان و مردان ارائه شده باشد، البته، اما و اگرهای خاص خود را دارد. چرا که شائبه نوعی نمراف از اصل موضوع برابری را پیش می‌آورد. در جهان معاصر، مسئله برابری زنان با مردان، بیشتر در عرصه حقوقی، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شود؛ مثل حق رای، حق شرکت در انتخابات، داشتن دستمزد برابر در قبال کار برابر، در تأمین امنیت‌های اجتماعی، جانی، مالی و شغلی بر اساس تفکر شایسته سربازی، و نیز استفاده برابر از امکانات اجتماعی - تفریحی مثل اجازه حضور آنان در استادیوم‌های ورزشی. در حالی که هنوز زنان، درگیر چالش‌های عجیب و غریبی با اولیای حقوق انسانی خود هستند؛ بله واقعا

در حالی که هنوز زنان، درگیر چالش‌های عجیب و غریبی با اولیای خود هستند؛ واقعا سخن گفتن از خدمت سربازی در مورد آنان، بیشتر به یک شوخی می‌ماند

سخن گفتن از خدمت سربازی در مورد آنان، بیشتر به یک شوخی می‌ماند. اگر دغدغه نمایندگان زن در مجلس ارائه این طرح و زمان و انرژی گذاشتن برای رسیدگی به آن باشد، این شوخی، به طنزی در دناک و آزارنده بدل خواهد شد، در جایی که زنان نخبه در عرصه علم و هنر و ورزش، بدون اذن همسر نمی‌توانند برای حضور در میادین رقابت، از کشور خارج شوند! به همان اندازه که یک فرد معمولی مرد، تحت هر شرایطی باید بتواند از سلاح استفاده کند (و صرفاً برای دفاع از خود و خانواده‌اش) یک زن نیز باید از چنین مهارتی برخوردار باشد و در این مورد نیازی به فرستادن زنان به سربازی نیست. همان‌طور که دانش‌آموزان پسر در دبیرستان درسی به نام آموزش دفاعی دارند، می‌توان برای دختران دانش‌آموز نیز چنین طرح درسی را در نظر گرفت.

سربازی گروگان گرفتن زمان جوانان!
برای سربازی رفتن پسران، که روزگاری به آن «اجباری» گفته

می‌شد؛ ضرب‌المثل نه چندان جالبی وجود دارد که «مرد» شدن آنان را منوط به گذراندن دوران خدمت مقدس سربازی می‌داند، آن‌هم برای دو سال ادو سالی که در عمل مدت بسیار کوتاهی از آن صرف آموزش‌های لازم نظامی می‌شود و بقیه زمان فرزندان میهن، در اختیار نیروهای نظامی است تا به هر طریق که لازم و مناسب بداند آن استفاده کنند؛ مثلاً در آشپزخانه ستاد، در برج‌های نگهبانی، در فرودگاه‌ها و مرزها و در رخت‌شوی خانه پادگان‌ها. عملاً هیچ کدام از این وظایف، اولویت ماهوی بر دیگری ندارد و همه بر اساس شانس و قرعه‌کشی و یا توصیه، به نام هر کدام از سربازها اصابت می‌کند. مسئله این است که پس از دو سالی که چنین می‌گذرد، سرباز وظیفه، عملاً چه آموخته و چه میزان بر سواد و مهارت‌های اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، علمی و افزوده شده است؟ باین‌ها و اگرها، در پی آن نیستیم که اصل و اساس خدمت سربازی را زیر سوال ببریم. اما هم‌چنان که در این طرح اخیر هم دیده شده، مسئله انتخابی و اختیاری بودن سربازی، و انتخاب آن به عنوان یک شغل یا وظیفه ملی - میهنی، بر ارجح و اعتبار آن می‌افزاید. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، سربازی امری است انتخابی و دولت‌ها، سرباز استخدام می‌کنند و در این مورد اجبار و الزامی وجود ندارد و چون اجبار و الزامی نیست، فردی که خود خواسته و با انتخاب و بینش، به سربازی می‌رود، لحظه‌های گذراندن این دوران، برایش سخت و حتی دردناک و تلخ نمی‌شود. او برای انتخاب و حضورش در عرصه فعالیت نظامی «چربی» دارد و این جاست که صدای نیچه به گوش مان می‌رسد که می‌گوید: کسی که چربی دارد، با هر «چگونه‌ای» خواهد ساخت!

اجبار حضور فرزندان این سامان در پادگان‌ها، آن‌هم برای دو سال، این «چربی» را از آنان می‌گیرد و دقیقاً مصداق به گروگان گرفتن بهترین است که متأسفانه، طولانی بودن دوران تحصیل از ابتدایی تا دکترا و سپس حضور بلندمدت در پادگان‌ها و مراکز نظامی، عملاً نشان از بی‌برنامگی نهادهای اجتماعی و سیاسی در رابطه با جوانان است. جوانی که چه با مدرک و چه بدون مدرک، بتواند وارد بازار کار شود، هرگز مجبور نخواهد بود در مارتن

نداشته باشند با رد و بدل کردن آدرس و شماره تلفن و شماره کارت، آن‌را در خطی که هر روز در رفت و آمدید به دست تان می‌رسانند! در واقع، فروشنده‌های مترو، برای خیلی از مسافران، مثل فروشنده‌های محلی، آشنا و مورد اعتماد شده‌اند.

البته شکی نیست که کالایی که دستفروش‌های مترو عرضه می‌کنند نه اصالت دارند و نه کیفیت و نه مشخص است در کجا و با چه موادی تولید می‌شود و اساساً از چه راه‌هایی به دست این فروشندگان می‌رسد. شاید البته این مسئله، این روزها با توجه به وضعیت اقتصادی مردم، چندان هم مهم نیست. ماجرای دستفروشی در مترو، چنان بالا گرفته است که گاهی تعداد فروشنده‌ها از تعداد مسافران درون واگن بیشتر است و گاه باعث درگیری‌هایی بین خود دستفروش‌ها یا با مسافران می‌شود؛ به هر حال هر کسی طاقات آن همه سر و صدا و شلوغی را ندارد، چون هر کدام از آن‌ها برای تبلیغ و معرفی جنس خود، هیاهویی به

اجبار حضور فرزندان این سامان در پادگان‌ها، آن‌هم برای دو سال، این «چربی» را از آنان می‌گیرد و دقیقاً مصداق به گروگان گرفتن بهترین زمان و فرصت از زندگی آنان است که می‌تواند در جهت آموزش مهارت‌های متناسب با نیازهای جامعه، مورد استفاده قرار گیرد

کنکور و حضور طولانی در دانشگاه‌ها شرکت کند و عمر خود را صرف آموختن علمی کند که عملاً در آینده شغلی و خانوادگی او هیچ تأثیری نخواهد داشت. خدمت سربازی، جدای از آن بخش آموزش مهارت‌های نظامی، دقیقاً مصداق هرز و هدر دادن انرژی‌های جوان و جوانی یک کشور است، که اتفاقاً باید در این زمینه، تدابیر مهم و موثری اندیشیده شود.

برگردیم به شوخی خودمان!
اخیراً در یکی از کشورها همسایه طرحی شبیه همین طرح، تصویب شده است. به این صورت که دختران بین ۲۵ تا ۳۵ ساله‌ای که حداقل تحصیلات متوسطه را گذرانده باشند، می‌توانند تقاضای عضویت پیوستن به نیروهای نظامی، بدهند. این طرح، حتی اگر صوری و صرفاً برای نمایش توسعه یافتگی و تغییر نگرش جنسیتی باشد؛ نشان از آن دارد که جوامع ناچار از دیدن و پذیرفتن این نیمه پنهان جمعیت خود هستند و باید فرصت‌هایی برای حضور و فعالیت‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی و... برای آنان فراهم آورند.

بدهی است که زنانگی، و نیز مردانگی، با توجه به تحقیقات وسیع پزشکی، روان‌پزشکان و جامعه‌شناسان، تا حدود زیادی پدیده‌ای فرهنگی است و انتظاراتی که از این دو جنس انسانی می‌رود، برخاسته از فرهنگ‌ها و سنت‌های یک جامعه است و نقش‌های جنسیتی در همه جای جهان یکدست و فراگیر نیستند. با توجه به این مسئله، هستند زنان و دخترانی که تمایل به اموری دارند که اغلب مردان وارد آن می‌شوند، هم‌چنان که هستند مردانی که آشپزی و خیاطی و آموزگاری و پرستاری می‌کنند و کسی هم بر انتخاب‌های آنان خرده نمی‌گیرد. این طرح، چه شوخی باشد، چه جدی، خبر از تغییر و تحولاتی اساسی و عمیق در ذهنیت ایرانی می‌دهد و اگر آن چنان که باید و شاید به سرانجام برسد، با حذف بخش «شوخی» آن با دختران، و تأکید بر انتخابی و اختیاری بودن خدمت سربازی برای پسران، مسلمان، گام بزرگی به سوی توسعه یافتگی در همه زمینه‌های انسانی است.

راه می‌اندازند که بیا و ببین. و به این ترتیب، اگر زمانی می‌شد نشسته یا ایستاده، چیزی خواند، با سر و صدای دستفروش‌ها، دیگر چنین چیزی ممکن نیست. ضمن این که گاهی برخی آن‌ها از قدر اقلام مختلف با خودشان حمل می‌کنند که تا وارد واگن می‌شوند، هر کدام از آن در بغل مسافری می‌گذارند و شروغ می‌کنند به تبلیغ و تست کردن کالای خود بر سر و صورت و بدن مشتری. کافی است به سالن‌ها و پله‌های ایستگاه‌های مترو کمی دقت کنید تا مسافرانی را ببینید که با بار خرید خود از واگن‌ها در حال خط عوض کردن یا رفتن به خانه‌هایشان هستند.

متر و سوار برای خرید کردن، پدیده‌ای نوظهور اما عادی است. زنان فروشنده، خط و شماره تلفن خود را در اختیار تمام مسافران قرار می‌دهند و کافی است، خانواده‌ای قصد خرید داشته باشد. آن وقت متروسواری، مثل رفتن به یک فروشگاه بزرگ، حال و هوا و خوشی‌ها و چالش‌های خودش را دارد.

از گوشه و کنار

لزوم ساماندهی «ون کافه‌ها» در شهر تهران



رئیس ستاد گردشگری شهرداری تهران از لزوم ساماندهی «ون کافه‌ها» در شهر تهران خبر داد. مهدی سیف‌در گفت‌وگو با ایسنا در مورد ساماندهی ون کافه‌ها به واسطه حیات‌شبهانه شهر با بیان اینکه در طول روز مشغله‌های کاری آنقدر زیاد است که خانواده‌ها فرصتی برای تفریح ندارند، گفت: به همین دلیل معمولاً خانواده‌ها در ساعات پایانی شب به تفریح می‌پردازند اما از آنجایی که صنوف و مراکز تفریحی با تاریکی هوا به سمت تعطیل شدن می‌روند، خانواده‌ها مکان تفریحی مناسب ندارند. وی با بیان اینکه شروع حیات شبانه شهر می‌تواند گام موثری در راستای رفع شب‌گردگی و ایجاد فضاهای تفریحی برای خانواده‌ها باشد، ادامه داد: یکی از جاذبه‌های تفریح در شب «ون کافه‌ها» هستند که در کنار آن‌ها می‌توانند تیم‌های هنری و... نیز برای برکردن اوقات فراغت حضور یابند. رئیس ستاد گردشگری شهرداری تهران ادامه داد: امار دقیقی از تعداد ون کافه‌ها نیست و این در حالی است که هر روز تعدادشان بالا می‌رود و لازم است نسبت به شادمانی و کمک آنها اقدام شود و حتی می‌توان سامانه‌ای برای ثبت نام در راستای آغاز ساماندهی طراحی کرد.

کاغذ روزنامه در لیست کالاهای اساسی



وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: کاغذ چاپ، تحریر و روزنامه در لیست کالاهای گروه یک کالاهای اساسی قرار می‌گیرد. محمدشریف‌نعمادری وزیر صنعت، معدن و تجارت در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا گفت: کاغذ چاپ، تحریر و روزنامه به منظور تأمین ارز ترجیحی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌های در لیست کالاهای گروه یک کالای اساسی و ضروری قرار خواهد گرفت. وی تصریح کرد: این لیست به زودی پس از اعلام نظر وزرای جهاد کشاورزی و بهداشت از سوی وزارت صنعت و معدن اعلام خواهد شد.

آغاز طرح ساماندهی آموزش عالی



وزیر علوم می‌گوید: در سال‌های گذشته در شهرهای مختلف تعداد زیادی دانشکده، مرکز آموزشی و موسسه ایجاد شده، اما امروز با توجه به اجرای طرح ساماندهی آموزش عالی باید بستری فراهم کنیم تا واحدهای آموزشی قوی و توانمند داشته باشیم. طرح ساماندهی آموزش عالی به تازگی آغاز شده و ممکن است با چالش‌هایی مواجه باشد اما ما تمام پیشنهادها و نقدها را استقبال می‌کنیم و از صاحب‌نظران و نقادان آموزش عالی می‌خواهیم پیشنهادهای خود را در راستای تحقق اهداف ملی مطرح کنند.

وزیر علوم با توضیح درباره این طرح تصریح کرد: مادر طرح ساماندهی آموزش عالی تلاش مان این است که محوریت دانشگاه‌های بزرگ و توانمند افزایش یابد تا این مراکز بتوانند در اجرای مأموریت‌های ملی و محلی با دقت و قدرت بیشتری فعالیت کنند. البته قرار نیست ممانعتی برای فعالیت مراکز یا موسساتی که در شهرستان‌ها وجود دارند، پیش‌باید و آسیب ببینند و اگر توجیهی داشته باشند، فعالیت‌شان ادامه می‌یابد. هم‌چنین ما نیازمند حمایت مجلس هستیم که از این طرح حمایت کنند البته کمیسیون آموزش مجلس کمک کرده است.

یادداشت

بریم مترو، خرید کنیم!

آسیه ویسی

هم ساعت کار دارند، هم خط مخصوص به خود را دارند و هم ارتباط‌های خاص. این‌طور نیست که هر کسی تصمیم گرفت و دلش خواست به راحتی بتواند وارد این کار شود، این کار هم در نهایت مافیای خود را پیدا کرده است! در باره دستفروشی در واگن‌های مترو حرف می‌زنیم. پدیده‌ای که قدمت آن به آغاز کار مترو در تهران بازمی‌گردد؛ اگر نه خیلی هم‌زمان با آن، ولی تقریباً در همان حوالی که مترو جای خودش را در میان مردم باز کرد و مدام بر تعداد مسافران اضافه شد، دستفروش‌ها هم پیدایشان شد. اوایل، این کار کمی جسارت‌آمیز بود. هر کسی نه که خواست و نه می‌توانست وارد این کار شود. بعداً که نگاه

مناسبی هم نسبت به آن وجود نداشت. چون شروع کنندگان استان دستفروشی در واگن‌های مترو، زنان بودند. زنانی که تا آن زمان، حداقل در تهران، نمی‌توانستند در کوچه و خیابان بساط دستفروشی بپهن کنند. پس واگن‌های مخصوص بانوان، برای زنان دستفروش، بهترین فرصت ممکن بود. جنسی که این زنان می‌فروختند شامل چند قلم خاص می‌شد؛ بادبزنی، کلاه آفتابگیری، روسری... و البته خریداران یا همان مسافران مترو، آن اوایل اعتماد چندانی به این فروشنده‌ها نداشتند.

اما این روزها، دستفروشی در واگن‌های مترو، برای خودش ماجراها و فرایندهای خاصی دارد. ضمن این که دستفروش‌های مترو، همه چیز، تقریباً همه چیز می‌فروشند. در این میان، اگر جنس مورد نیاز شما را